

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۱

شیوه‌های زبانی و ادبی ویژه مصطفی رحماندوست در خلق تصاویر اشعار آموزش

محور کودکان

(ص ۱۸-۱)

نرگس اسکویی (نویسنده مسئول)^۱، لیلا خانی‌پور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۳

چکیده:

بزرگسالان همواره، به دلایل و منظوره‌های گوناگون، پی یافتن راهکارهایی برای ورود و تأثیر بر ذهنیات و دنیای درونی کودکان می‌پویند. ادبیات و شعر، با اشکال، گونه‌ها، تکنیک‌ها و عناصر ادبی و هنری مختص خود، یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین دستاوردهای بشری در این زمینه به‌شمار می‌آید. سخنوران، پایه‌پای علمای تعلیم و تربیت، پیوسته مرجع تولید آثاری ماندگار و پرنقش در حوزه‌های مختلف پرورش ابعاد شخصیتی و مهارتی کودکان بوده‌اند. در این میان، از بین عناصر ادبی و شعری، از جهت تأثیرگذاری بر جهان ذهنی کودک، تصاویر شعری نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. این مقاله، در جستجوی نحوه اثرگذاری تصاویر تخیلی و ادبی موجود در اشعار آموزش‌محور مصطفی رحماندوست بوده است. برای این کار، ابتدا انواع مفاهیم آموزشی و سپس اشکال و ویژگیهای تصاویر استفاده شده در هریک از موضوعات آموزشی در اشعار رحماندوست مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. کارکردهای حسی این تصاویر همراه با تواناییهای تجربی، عاطفی و تخیلی عامل تأثیرگذاری در پرورش مفاهیم تربیتی مد نظر شاعر در این دسته از اشعار است.

کلمات کلیدی: مهارت کودک، عاطفه، تجربه، شعر کودک، تصاویر شعری، تخیل.

noskooi@yahoo.com

^۱ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، بناب

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب

مقدمه:

آنچه ادبیات کودکان را از ادبیات بزرگسال متمایز میکند، تفاوتی است که بین نیازها و امکانات کودکان و بزرگسالان وجود دارد؛ از این روی است که امروزه، محققان حوزه ادبیات کودک از یکسو و پژوهشگران علوم تربیتی و روانشناسی کودکان، بگونه‌ای تعاملی، در پی یافتن راهکارهایی برای برقراری ارتباط مؤثرتر با این مخاطب خاص برای ایجاد التذاذ در کودک، در کنار تأمین خواسته‌های تکاملی و تعالی‌بخش خود هستند. تلاشی هنرمندانه در قالب کلام، با زبان و شیوه‌ای مناسب و درخور فهم کودک، برای هدایت او به سوی رشد پرثمر. شاعر در شعر کودک بر آن است که علاوه بر ایجاد حرکت و انقلابی در بیان، ذهن کودک را نیز نسبت به دنیای پیرامون خود فعالتر و آگاهتر سازد. بنابراین شعر کودک، جز نیات هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه، و نیز بازیهای زبانی و موسیقایی، اغلب در پی ایجاد سوال و پی‌ریزی زمینه تفکر در ذهن مخاطب کودک خود است.

شاعر کودک، برای سرودن شعر کودک، مؤلفه‌های فراوانی پیش‌رو ندارد. حدود اختیارات او برای دخل و تصرف در چهارچوب شعر و زبان آن بسیار محدود است. ذهن کودک در مراحل رشد شاخصه‌های معینی دارد. این عوامل باعث میشود که نگاه کودک به جهان پیرامون خود، نگرشی خاص و ویژه او باشد. کسانی که برای کودکان شعر می‌سرایند یا داستان مینویسند، برای ورود به دنیای ذهنی مخاطبان خود، جلب اعتماد آنان و در نهایت تأثیرگذاری مثبت، ناگزیر از شناختن ساختارهای ذهنی - روانی آنانند. بدین جهت است که شعر کودک، پایه‌پای رشد او رشد و تکامل مییابد.

«خیال و تخیل با کوششهای گوناگونی ارتباط مییابند که اساساً برای تبیین و توضیح آثار هنری به فرآیندهای ذهنی توجه میکنند که لازمه آفرینش هنری است.» (تخیل، برت: ۵) در شعر کودک، در عین استفاده از تصویرهای حسی و خیالی، شاعر میکوشد در این تصاویر از ابهام و دشواری کمی کمتر استفاده کند و برعکس از صراحت زبان و شفافیت ادبی بیشتری بهره گیرد. در شعر کودک، برای تصویرگری مناسبتر و اثرگذارتر بایسته‌تر آن است که عناصر شعری را با احتیاط بکار برد، تا حدی که به زیبایی کلام آسیب نرساند و پل ارتباطی را که شعر با کودک ایجاد کرده است، خراب نکند.

هدف و ضرورت تحقیق:

با در نظر داشتن مطالب ذکر شده و آگاهی به اهمیت نقش تصاویر خیالی در ساخت و پردازش شعر کودک و همچنین اهمیت تصویرگری، در ذهن و روح و روان کودک، بایسته است به دنبال کشف و شناخت اصول و معیارهایی از ویژگیهای این تصاویر، در آثاری پرداخت که موفق به برقراری ارتباط با مخاطبین خود شده‌اند و در تعامل با آنها به یگانه‌سازی رسیده‌اند. بر همین مبنا،

تحقیق حاضر بر آن است تا با پیگیری و بررسی تصاویر موجود در اشعار آموزش محور مصطفی رحماندوست، بعنوان یکی از فعالترین و در عین حال موفقترین شاعران حوزه ادبیات کودک، از جهت تعامل با کودک و اثرگذاری مستمر بر وی در دوره‌های مختلف رشد و تکامل، نمونه‌هایی موفق از اشکال تصاویر شعری و هنری مؤثر در زیرساختهای ذهنی و تکاملی کودک را تجزیه و تحلیل نماید.

بحث و بررسی:

اعتقاد رحماندوست به آموزش محور بودن شعر کودک:

از دیرباز یکی از وجوه و کارکردهای مهم شعر، جنبه آموزشی و تعلیمی آن بوده است؛ در ادبیات کهن، بخش عمده‌ای از آثار در رده ادبیات تعلیمی جای میگیرند. در دهه‌های اخیر نیز با رشد ادبیات کودک و گسترش و بالندگی شعر کودک و نوجوان بعنوان یک ژانر مستقل و پویا، شاعران همواره بعد آموزشی شعر را مد نظر داشته‌اند. هر چند در این میان نیز آن دسته از شاعران که آثارشان از جوهر ناب شعری فاصله گرفته و جنبه مستقیم آموزشی یافته است، جزو آثار ضعیف بشمار می‌آیند. بسیاری از منتقدان و زعمای قوم ادبیات و نیز تربیت کودک برآنند که استفاده آموزشی از شعر و ذهنیت ابزار آموزش بودن شعر برای کودکان (مثلا در مراکز پیش‌دبستانی) ایده غلطی است و شعر خوب آن است که بگونه‌ای غیرمستقیم و هنری، این آموزش و یا انتقال پیام تربیتی در آن شکل بگیرد.

مصطفی رحماندوست، محقق، شاعر و نویسنده حوزه ادبیات کودک، از جمله کسانی است که برای شعر کودک، فی‌نفسه جنبه‌های آموزشی و تربیتی قائل است و اغلب اشعار او در مسیر آموزش خلاقیت، تجربه، مهارت و یا مفهومی به کودک حرکت میکند. رحماندوست معتقد است: «همه شعرها آموزش محور هستند، یعنی در هر شعری آموزشی وجود دارد. حتی در شعرهای بی‌معنی (مهملات) که صرفاً جهت بازی و سرگرمی ساخته میشوند هم چیزی را می‌آموزیم؛ مثلاً بازی کردن و لذت بردن از بازی کردن را. وقتی با آموزش محوری در شعر کودک موافق نیستیم، منظورمان این است که بزرگسال، کودک را با شعر وادار به کاری کند. هنر هنرمند جایی تاثیرگذار است و بدرد می‌خورد و شعرهای آموزش محور بی‌فایده هستند. در این شعرها (شعرهایی که غیرمستقیم مفاهیم آموزش و تربیتی را به کودکان منتقل میکنند) انعطافهایی هست که شاید نتواند گروهی را مورد خطاب قرار دهد، اما حتماً گروهی دیگر را میتواند؛ مثلاً شاید شعری را که درباره سطل زباله برای کودک سروده شده است، به ریختن زباله در سطل منجر نشود، اما از اینکه سطل زباله در خانه هست لذت می‌برد و به آن می‌خندد؛ همین موضوع میتواند در او تاثیر بگذارد» (ر.ک: شعر کودک ابزار آموزش نیست، آزاد: ۶).

۱- چارچوب کلی تصاویر در شعر کودک:

رحماندوست، با عنایت عالمانه به نیازها و تواناییهای کودک در سالهای نخستین حیات، در بخش بزرگی از اشعار آموزش‌محور خود برای سنین پیش از مدرسه، کودکان را با مفاهیم و تجربیات حسی آشنا میکند. کودک انسان، بیش و پیش از هر نوع آموزش و یادگیری، بهره‌مندی از حواس پنجگانه را فرامیگیرد. از این جهت در بخش بزرگی از اشعار کودکانه، شاعر با محور قرار دادن یک یا چند دسته از حواس، با استفاده از بازیهای کلامی، انتخاب موسیقی اثرگذار درونی و بیرونی و مهمتر از همه، با استفاده از تصاویر برساخته بر مبنای انواع محسوسات، کودک را در سفر به دنیایی از حکایتها، بازیها، هیجانان و لذات حسی رهنمون میشود و بدین‌گونه، به‌شیوه غیرمستقیم، تجربیات حسی فراوانی را با او شریک میشود. تصاویر در اینگونه اشعار، در واقع نشانه‌های زبانی سنجیده و منتخبی هستند که برای درک درست و شناسایی دیگر ارجاعات زبانی که حقیقتی مجرد و محض هستند (و در روانشناسی به آگاهی اولیه و غریزی و یا بدوی تعبیر شده‌اند) در شعر وارد میشوند و کودک از طریق این نشانه‌ها است که با دیگر واژه‌ها و مقوله‌های جدید آشنا میشود. این نشانه‌ها به کودک فرصت بررسی و تأمل را میدهد تا از طریق ذهن و تخیل برای چیدن ارتباط بین این موارد فعال شود. درست مانند کودکی که با چیدن یک معما یا چیستان به‌تلاش میافتد و انگیزه نشان میدهد. «آنچه برای شاعر درسین کودک ضرورت دارد، آشنایی با نشانه‌های اولیه ذهنی این گروه سنی و تبدیل ارجاعات و نشانه‌های زبانی به این کدها و نشانه‌های آشنا، جهت حمل پیام سبک شعری می‌باشد» (نشانه‌شناسی زبان در شعر کودک، مدنی: ۱۰۵).

اینگونه اشعار آموزش‌محور را بر اساس مفاهیم و نیز تصاویر شعری و هنری موجود در آنها، میتوان در چهار دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد: حسی- تجربی، حسی-عاطفی، حسی-شناختی و حسی-تخیلی.

۱-۱- حسی-تجربی:

تجربه‌های جسمی، از جمله نخستین تجربه‌های کودک است، مثل: قد کشیدن، دویدن، راه رفتن، دندان درآوردن و افتادن دندان‌ها، رحماندوست با محور قرار دادن این تجربیات جدید، اشعار زیبایی برای کودکان سروده است:

«یک هفته لق بود/ دندان مقداد/ دیشب سر شام/ دندانش افتاد/ آینه آورد/ خود را در آن دید/ تا دید خود را/ خندید و خندید/ زیرا که میدید/ چون پیرزنها/ از دست داده/ دندان خود را/ با خنده میگفت/ مقداد این را:/ هم بچه هستم/ هم پیر حالا» (صد دانه یاقوت، رحماندوست: ۸). در این شعر با جانشین کردن پیر در جای کودک، با وجه مشترک افتادن دندان، کودک ضمن قرار گرفتن در جریان یک تجربه مشترک از دو مرحله مختلف عمر، از درک این تصویر و جانشین کردن دو رکن اصلی آن با هم (پیر-بچه)، لذت برده، در شوخی و تصویر ذهنی شخصیت اصلی شعر (مقداد) همراه میشود. نگاه طنزآمیز این تصویر شعری به این تجربه محتوم عمر، حتی میتواند موجب

برطرف شدن نگرانی احتمالی کودک از قرار گرفتن در این شرایط تجربی (لق شدن دندان) باشد. از دیگر تجربه‌های حسی کودکان، برقراری ارتباط با محسوسات و ملموسات دنیای پیرامونشان است. شاعر، با درک تازگی این تجارب برای کودک، و با گنجاندن تصاویر حسی، در کنار کلمات آشنا، بازیهای ذهنی کوچکی برای کودک در زمینه حسی-تجربی ایجاد میکند. کودکان تا سه سالگی برای نامیدن پدیده‌های واقعی در جهان پیرامونشان معنای واقعی کلمات را بکار میگیرند و میفهمند که وقتی دیگران حرف میزنند، معنای دقیق حرفشان چیست؛ ولی بین سه و چهار سالگی، معنای مجازی یا غیرواقعی بعضی عبارات را میفهمند. توانایی درک گفته‌های مجازی یا غیرواقعی بعضی عبارات را میفهمند. توانایی درک گفته‌های مجازی و بعدها استعاره، وقتی کودک آماده رفتن به مدرسه میشود، بیشتر میشود. برخی از کودکان، در شش سالگی، در درک استعاره ماهرند. «زمانیکه کودکان شروع به تجربه طبیعت و زندگی میکنند، موضوعاتی که برای آنها انتخاب میشود، باید از دید مکتشف و جستجوگر آنها باشد. آنچه آنها در محیطشان کشف میکنند، از اشیاء مردم و عواطف و هر آنچه در اشعار آنها آورده میشود باید با این سفر سرگرم‌کننده دانش و فهمیدن جهان سازگار باشد» (ادبیات کودکان و نوجوانان، حجازی: ۳۸). شاعر با آگاهی از ظرفیت دریافت تصاویر استعاری و تشبیهی توسط کودک، در این‌گونه اشعار، تمام حواس پنج‌گانه کودک را به خدمت می‌گیرد تا مثلاً از لذت درک یک نسیم خوش، بارش قطرات دل‌انگیز باران و یا دیدن ستاره‌ای زیبا در در آسمان برای او تجربه زیبایی‌شناسانه و به یاد ماندنی بسازد. درک چنین تصاویر احساسی و توأم ساختن آن با جانشینان حسی-تجربی و حسی-عاطفی ساده دیگر، مثل بوسه، نوازش، اشک، نقاشی و رنگ‌آمیزی آن، صداهای محیطی و امثال آن، راههای جدیدی برای زیباتر و عمیقتر حس کردن جهان در اختیار کودک قرار میدهد:

«چه نسیم خنکی می‌آید/ گوش کن نغمه هوهویش را/ میکند صورت من باز احساس/ لذت بوسه خوشبویش را/ چشم من در پی نقاش بهار/ مرغ هم میخواند، کوکوکو/ در جواب من و او، باد بهار/ باز میگوید: هوهوهوو» (موسیقی باد، رحماندوست: ۱۱).

«نم‌نم بارون/ بارون دونه‌دونه/ چک‌چک آواز میخونه/ سبزه صدانش/ سرخه و زرد و آبی صدای پاش/ اشک قشنگ آسمون/ وقتی میاد به کوچمون/ چک‌چک شالاپ شالاپ/ راست میره توی جوی آب» (ترانه‌های شهر تمیز، رحماندوست: ۷).

«سلام ای ستاره/ ستاره طلایی/.../ به باغ شب نشست/ بسان غنچه نور/ درین سیاهی شب/ تو میدرخشی از دور» (چشمه نور، رحماندوست: ۹).

شاعر، گاهی با مقدم ساختن تصاویر حسی و عاطفی بر نام واقعی پدیده، چالشی را برای یادآوری محسوسات کودک ایجاد میکند و کودک را در مسیر بازی شیرین برای بهره‌گیری از تواناییهایی

ذهنیش قرار می‌دهد. ساختن تصاویری بر اساس محسوسات مثل مقایسه روی زرد با بیماری، لپ سرخ با تباداری که حسیات آشنایی برای کودک هستند، از نکات قوت این بازی ذهنی است: «به‌به‌به/ رنگین است/ خوشمزه/ شیرین است/ رویش زرد/ بیمار است/ لپش سرخ/ تبادار است/ مغزش را چون بادام/ بشکن زود/ دام دام دام/ هم خوشرو/ هم خوشبو/ زرد و سرخ/ زردآلو» (صد دانه یاقوت، رحماندوست: ۱۳).

۱-۲-حسی-شناختی:

شاعر از نیروهای ادراکی و حسی کودک، برای آشنا کردن او با مفاهیم جدیدتر بهره‌مند می‌شود. مثلاً در شعر پر از تصویرهای حسی زیر، شاعر کودک را با مفهوم گذر زمان و آمدن فصلهای جدید آشنا می‌کند؛ بهاری که لباس رنگارنگ بر تن دارد و پائیزی که برگها در آن زرد و بیمار، سرخ و تبادار، نارنجی و غمین هستند. این اشعار ما را مطمئن می‌کند که شناخت یافتن بر جهان و پدیده‌های آن از طریق شعر، از حیث تحریک قوای حسی و ذهنی کودک، بسیار جذابتر و مؤثرتر است و ذهن کودک را برای دریافتهای علمی و فلسفی و زیبایی‌شناختی در باب جهان فعالتر خواهند ساخت: «کی سبزه و درخت و میوه‌ها رو آفریده؟/ برای باغ رنگارنگ لباس نو خریده/ خدا، خدای خوب ما/ دوست تمام بچه‌ها» (از آسمون تا اینجا، رحماندوست: ۱۰).

«برگ فرزند درخت/ برگ همبازی باد/ دوسه روزیست که برگ/ نیست سرزنده و شاد/ صورت سبزه برگ/ چه گل انداخته است/ درد گویا به دلش/ ناگهان تاخته است/ تن او زرد شده/ شاید او بیمار است/ صورتش سرخ شده/ شاید او تبادار است/ رقص نارنجی برگ/ از غمی لبریز است/ قصه‌ای دارد و آن/ قصه پاییز است» (موسیقی باد، رحماندوست: ۴۰).

«کودک در زمان حال زندگی می‌کند، نه در گذشته و آینده، بنابراین آنچه که در محدوده حواشی و در محیط کنونی زندگی او قرار دارد، برای او معنا و مفهوم داشته و قابل درک است. با توجه به این ویژگی کودک، باید کلمات و جملات مورد استفاده در اشعار کودکان، کلمات و جملاتی باشد که در زندگی کنونی کودک و در محیط طبیعی او در جریان است، نه کلمات و جملاتی دورافتاده و مهجور از زبان امروزی» (قصه و قصه‌گویی: تحلیل روانشناختی و تربیتی، مهجور: ۱۸۸). شاعر با دانستن این مساله، از طریق همین نوع تصاویر حسی و ملموس، شناختهایی در باب مفاهیم عمیق‌تر و غیرقابل لمس، همچون زمان نیز برای کودک ایجاد کرده است؛ تصویر نمادین گام برداشتن عقربه‌ها و تکرار مداوم صدای تیک که جزو محسوسات پیرامونی کودک است یا مانند کردن زمان به کبوتری که پرواز می‌کند و از کف می‌رود، جانشینان حسی بسیار هوشمندانه‌ای برای متوجه ساختن کودک نسبت به ارزش دقایق و گذر عمر است:

«پایتان بشکند ای عقربه‌ها/ کاش از رفتن وامی‌ماندید/ جای تکرار ملال‌آور تیک/ کاش شعری، غزلی میخواندید» (موسیقی باد، رحماندوست: ۱۲).

«حیف که تمام شد امسال / راستی چی شد؟ کجا رفت؟ / مثل کبوتری بود / چرخ زد و هوا رفت»
(باغ مهربانیها، رحماندوست: ۴۸).

۱-۳-حسی - عاطفی:

بعد دیگری از محسوسات، حس‌های درونی و عاطفی نظیر محبت، شادی، اندوه، حرمان و نظایر آن است. کودکان عواطف و احساساتی را بهتر درک می‌کنند که فاصله زیادی با احساسات و عواطف خودشان نداشته باشد. به این ترتیب، به راحتی هم‌ذات‌پنداری کرده و در غم و ناراحتی اشخاصی که حالات و احساسات مشابهی را تجربه می‌کنند، شریک خواهند شد. به شعر درآوردن این حسیات انسانی و بیان آن در قالب تصاویر زنده و جاندار از مسائل آشنا و کاملاً محسوس و عینی برای کودک، او را برای حیات عاطفی سالمتر آماده می‌سازد و سرچشمه‌های عواطف انسانی را نسبت به خود، انسان، جهان و خالق جهان در قلب کودک جاری می‌سازد:

«گاه ابری، گاه روشن / مادر من آسمان است / غنچه لبخند مادر / خنده رنگین کمان است / مادر من یک درخت است / شاخه دستش چه دارد؟ / میوه شیرین بسیار / دامنی دارد پر از گل / مثل گل‌های بهاری / نغمه لالایی او / مثل آواز قناری / توی خانه، مادر من / دائماً مشغول کار است / خانه از او پر نشاط است / مادرم فصل بهار است» (پرندۀ گفت به به، رحماندوست: ۱۲).

در شعر زیر، شخصیت اصلی شعر، عاطفه خود را نسبت به دوست و همراه خود با تصاویر حسی بیان می‌کند، چهره «مثل گل» دوست که در میان «نقاب پنجره» میشکند و زیباتر از آن، «سنگ راه دور مدرسه»، که لابه‌لای حرف‌های دو دوست میشکند، تصاویر بسیار زیبا و آشنایی را برای کودک تداعی میکند:

«باز من ترا صدا زدم / باز شد نقاب پنجره / چهره تو مثل گل شکفت / در میان قاب پنجره /... / سنگ راه دور مدرسه / لابه‌لای حرف‌مان شکست / راه ما به انتها رسید / خنده بر لبانمان نشست» (موسیقی باد، رحماندوست: ۱۳).

این دسته از اشعار، که کاملاً مبتنی بر تصاویر حسی هستند، علاوه بر علاقه‌مند ساختن کودک به مطالعه شعر، از طریق افزایش دریافت‌های عاطفی، توانایی‌های کلامی و ادراکی او را برای شناخت و بیان مافی‌الضمیرش غنیتر می‌سازد:

«دو سه ماهی است که بابا رفته / خنده و شادی از اینجا رفته / دو سه ماهی است قناری‌ها هم / هست در چهره زیباشان غم / شوق پرواز ندارند آنها / حال آواز ندارند آنها / دل من تنگ شده، خیلی تنگ / مادرم هم شده خیلی دلتنگ» (موسیقی باد، رحماندوست: ۵). «تو که بودی / آسمان آبی بود / و اگر هم شب بود / شب مهتابی بود / شعرها شیرین بود / قصه‌ها پایان داشت / خنده‌ها معنی داشت / حرف‌ها جان داشت / بی تو اما حالا / زندگی زیبا نیست / هیچ کس مثل من / بی‌کس و تنها نیست / تو

که رفتی دیگر/ زندگی آبی نیست/ آسمان قلبم/ تار و سرد و ابريست/ ابر وقتی باشد/ دل من میمیرد/ بی تو بودن سخت است/ گریه‌ام میگیرد» (موسیقی باد، رحماندوست: ۲۵). همانگونه که در اشعار مشخص است، شاعر با استفاده از تصاویر حسی متقابل و متضاد، چون خنده یا گریه، صاف یا ابری بودن آسمان، خواندن یا نخواندن قناری، مهتابی یا تاریک بودن شبها و مرتبط ساختن آنها با تصاویری جدید چون آسمان قلب، چشمه چشم، بار غم و نظایر آن به راحتی چراغی از حس و عاطفه را در ذهن کودک روشن کرده است.

۱-۴-حسی-تخیلی:

شعر به‌عنوان یک رسانه فرهنگی گسترده، باید بتواند در ذهن کودک جای باز کند. حال اگر در شعری زمینه برای تخیل کودک و تمرین و تربیت ذهنی او فراهم می‌شود تا خود به‌سوی کشف چرایی ارتباط تصاویر و مفاهیم برود، طبیعتاً در این فرایند، تخیل خلاق او هم رشد خواهد کرد. «لذت ادبی در گرو آن است که مخاطب در شعر و خیال‌انگیز بودن آن شریک باشد و بتواند به کشف و دریافت روابط میان اشیا دست پیدا کند. اگر شاعر مجالی برای اندیشه مخاطب و خیال‌ورزی او در عرصه شعر در نظر گرفته باشد، لذت ادبی مطالعه شعر فراوانتر می‌شود. حال اگر مخاطب کودک باشد، این جریان باید با دقت و باریک‌بینی فراوانی انجام شود. زیرا ممکن است کودک نتواند ارتباط درستی با تصویر شعر برقرار کند» (سیر تشبیه در شعر کودک و نوجوان، پورالخاص: ۴۵).

«امشب شبی برفی است/ امشب شبی زیباست/ تا صبح میبارد/ از آسمان پیداست/ این برف میبارد/ یک دانه یک دانه/ تا پرده اندازد/ بر روی هر خانه» (صددانه یاقوت، رحماندوست: ۲۶). تصاویر حسی-تخیلی به مدد سه ویژگی تخیل آدمی، در فعالیتهای آموزشی و ذهنی شعر کودک فعال هستند؛ این سه ویژگی عبارتند از: ویژگی جانشینی؛ ویژگی جاندارپنداری ذهن کودک و ویژگی تجسم‌پذیری.

الف) استفاده از ویژگی جانشینی در ساخت تصاویر حسی-تخیلی:

استفاده از موسیقی قوی درونی و بیرونی شعر و کلمات که جزو ارکان اصلی شعر هستند، برای انتقال تمام مفاهیم کافی به‌نظر نمی‌رسد. یعنی این که برخی مفاهیم هستند که قابلیت نمایش دادن آنها به‌واسطه کلمات و اصوات و موسیقی و غیره امکان‌پذیر نیست. مثلاً نمیتوان واژه‌های مثل شیطان و جهنم را بواسطه زبان در شعر کودک القا کرد. اما این مفاهیم با مفاهیم و واژه‌های دیگر ارتباط مستقیم دارند که کودک با آنها آشنایی دارد. مثلاً درد و غم و زشتی و گرسنگی را درمی‌یابد و می‌توان آنها را از ملزومات جهنم قرار داد و در القای پیام به ذهن کودک مدد جست.

ب) استفاده از ویژگی جاندارپنداری در ساخت تصاویر حسی-تخیلی:

«اکثر کودکان در این دوره معتقدند که همه چیز جان دارد، حتی بشقابی که در آن غذا میخورند؛ یا اگر برگ درخت را بکنیم دردش می‌آید. باد ممکن است با درخت صحبت کند، عروسک اگر در منزل تنها بماند، ناراحت میشود و ممکن است گرسنه شود. اجسام دارای اراده هستند و نیت دارند.» (روانشناسی کودک و نوجوان، احمدوند: ۱۴۴). از دیدگاه روانشناسان، بویژه پیازه، کودکان اشیای پیرامونشان را زنده می‌پندارند. از نظر آنان همه چیز زنده است و قادرند با طبیعت به خوبی ارتباط برقرار کنند «او در این مرحله، به جاندارپنداری یا زنده‌انگاری اعتقاد دارد و همه اشیای بیجان را زنده میداند. اسباب‌بازها میتوانند زنده باشند و با او صحبت کنند. پیازه از بسیاری کودکان سؤال کرد که آیا باد، رودخانه، ابر و خورشید زنده‌اند؟ و دریافت که کودکان زیر هفت سال، آنها را زنده می‌پندارند» (شعر و کودکی، امین‌پور: ۱۹). همین ویژگی ذهن کودک است که امکان شخصیت‌پردازی در تصاویر شعری را به شاعر میدهد. شخصیت‌پردازی، ویژگی دیگر تصاویر در شعر کودک است. شخصیت‌پردازی بواسطه حیوانات و پرندگان و پدیده‌های طبیعی، با نشان دادن خصوصیت بیرونی این شخصیتها و تأکید بر جنبه بیرونی (visual) جهت تحمیل پیام سبک مهم باشد. شخصیت در شعر کودک از ویژگی مطلق بودن برخوردار است؛ یعنی این شخصیتها یا خوب هستند یا بد؛ چرا که ذهن کودک، انرژی و توانایی لازم جهت شناخت، جز دو قطب مطلق را ندارد. در شعر زیر رحماندوست از زبان صندلی سروده است:

«دل من میسوزد/ غصه‌ام میگیرد/ زیرا این آدمها/ صندلی میمیرد/ این یکی در بازی/ به سرش میکوبد/ آن یکی با پا بر/ کمرش میکوبد/ پایه‌هایش ای کاش/ یک شیبی پا میشد/ بی صدا در میرفت/ تا دری و امیشد/ کاشکی دستی داشت/ مثل ما آدمها/ لااقل با دستش/ میزد آدمها را/ هیچ کس فکرش نیست/ دل او میگیرد/ آخر از دست ما/ صندلی میمیرد...» (دوستی شیرین است، رحماندوست: ۲۱).

شخصیت‌سازی از طریق تصاویر، به تدریج کودک و ذهن او را در مسیر پرورش برای زندگی و آگاهی آماده می‌کند. مکان و محیط بیرونی، مهمترین وسیله‌ای است در دست شاعر، برای ساختن پیامهای سبک برای کودک.

(ج) استفاده از خاصیت تجسم در ساخت تصاویر حسی-تخیلی:

انتقال مفاهیم از طریق تصویرسازی، به گونه دیگری نیز در ذهن کودک عمل میکند و آن تجسم منسجم میباشد. کودک با پرورش ذهن خود برای دستیابی به تصاویر ساده، با محتوا و پیام آشنا میشود. بنابراین هر پیامی که بواسطه دلالت‌های ساده و ارجاعی زبان برای کودک القا میشود، بایستی با کنش متناسب و ساده تصاویر ذهنی و تداعی و همخوانی منسجم کودک همراه شود تا بتواند درک کودک را تحت تأثیر قرار دهد. اشعار موفق در مورد کودکان، شعرهایی هستند که با

پرورش و دستکاری ویژه زبان و وصلت آن با عناصر تصویری، مفاهیم کاملاً عقلانی و یا حسی را با نشانگان ساده‌زبانی بر ذهن کودک تحمیل میکنند:

هم آفتاب است/ هم ماه تابان/ هم سایه، هم گل/ هم چشمه‌ساران/ چون چشمه آب/ پاک است و روشن/ سیراب هستم/ از مهر او، من/ چون گل، ولی نه/ بالاتر از گل/ لبخند او هست/ زیباتر از گل/ ... «م» مثل موج است/ «آ» ابر زیبا/ «د» مثل دریا/ «ر» مثل رؤیا/ گویا بهشت است/ نه، باز بهتر/ بهتر ز هر چیز/ «م» مثل مادر ... (زیباتر از بهار. رحماندوست: ۳۵).

نکته مهم دیگری که در تصویرپردازی برای شعر کودک، مدنظر رحماندوست بوده، آن است که شعر کودک، باید دارای یکپارچگی معنایی باشد و شکاف در ابعاد مختلف زبانی و تصاویر آن نباشد، زیرا ذهن کودک امکان جمع بستن و درک مجموعه‌ای از تصاویر را نخواهد داشت و در نتیجه ارتباط خود را با شعر از دست خواهد داد.

«دو لب داره تریچه/ با یه دهان غنچه» (ترانه‌های نوازش، رحماندوست: ۱۰).

در وصف کلاغ: «خبرنگار بیشه/ قار میزنم همیشه/ پره‌های نازی دارم/ عمر درازی دارم» (پرندگان، رحماندوست: ۵).

«پنبه‌های ابر/ لحظه‌های بعد/ در کنار هم/ باد و رعد و برق» (چشمه نور، رحماندوست: ۱۳).

در وصف ماه «قایق نور است/ چراغ شبها/ در این سیاهی است/ همیشه پیدا» (باغ مهربانی، رحماندوست: ۶).

«دلخوری/ سکوت کرده‌ای/ جغد غصه در دل تو آشیانه کرده است» (کاش حرفی بزنی، رحماندوست: ۱۲).

در وصف دانش‌آموزان: «پائیز شد ببین/ گلها ز باغها پرواز کرده‌اند/ ... پائیز شد ولی/ در باغ مدرسه/ گل رسته بی‌شمار/ گل‌های خنده‌رو/ در کوچه کوچه‌ها/ روئیده صد هزار» (باغ مهربانی، رحماندوست: ۱۵).

«باغ آسمان دیشب/ باغ باصفایی بود/ از ستاره گلباران/ باغ روشنایی بود/ باغ و گل نبود اما/ موج موج و زیبا بود/ اشتباه کردم من/ باغ نه، که دریا بود/ آن ستاره‌ها ماهی/ ابر، موج دریا بود/ راه کهکشانش در پیش/ ماه، قایق ما بود» (پرنده گفت به به، رحماندوست: ۱۳).

۲- انواع اشعار آموزش‌محور و تصاویر مربوط به هر یک از آنها در اشعار رحماندوست:

۱-۲- اندیشیدن در باب خویشتن:

یکی از برجسته‌ترین و مهمترین نکاتی تربیتی که ادبیات و شعر به مخاطبش می‌آموزد، اندیشیدن در باب خویشتن خویش، رفتار و کردارش و مسئولیتها و نقش‌هایش در این جهان است. رحماندوست در اشعاری واقعگرایانه، با تصاویری ساده و صریح، موفق شده است که به‌گونه

غیرمستقیم، کودک را به اندیشیدن در مورد رفتارش با خانواده و دوستان جلب کند. در این شعر، بیان تصویری «پر زدن» و «خود را به کوچۀ دیگر زدن» دوستان، کاملاً در تبیین نتیجهٔ بدرفتاری شخصیت اصلی شعر مناسب و بجا جلوه میکند:

«چند ماهی است که من در خانه/ بیش از اندازه بدم، دلتنگم/ با سحر، خواهر شیرین خودم/ سر هر مسئله‌ای می‌جنگم/ بچه‌هایی که رفیقم بودند/ همه از دور و برم پر زده‌اند/ با سکوتی خودشان را تک‌تک/ همه بر کوچۀ دیگر زده‌اند/ مردم از دست خودم، باید من/ فکر یک چارهٔ دیگر بکنم/ باید اخلاق خودم را پس از این/ همه جا با همه بهتر بکنم» (موسیقی باد، رحماندوست: ۱۶).

۲-۲- مهارت‌های مواظبت از خود

بخش بزرگی از اشعار تعلیمی کودک، شیوه‌های مراقبت از خود در زندگی را به کودک می‌آموزد. مواردی چون رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و انجام ندادن کارهای خطرناک در این ردیف اشعار آموزش محور جای دارند. آنچه میتواند این اشعار تعلیمی را از جنبهٔ آموزش مستقیم (که پسندیده نیست) خارج نموده و جنبهٔ غیرمستقیم (که مستحسن است) بدان بخشد، بهره‌مندی از تصاویر شعری است. شاعر در این نوع تصاویر، با بهره‌مندی از ویژگی‌های جانشینی و جاندارپنداری، پدیده‌های طبیعت و اشیا را به‌عنوان شخصیت اصلی شعر قرار داده، کودک را در مقام بیننده و شنوندهٔ واقعه، همچون داور مینهد تا او خود در این موضوع تصمیم‌گیری نماید.

«دست و صورتش را گل/ شسته بود و خوشبو بود/ چون که قطرهٔ شبنم روی صورت او بود/ گربه‌ای سر دیوار/ شاد بود و می‌خندید/ دست و صورت خود را/ خوب خوب می‌لایسید/ توی آب ماهیها/ گرم گفتگو بودند/ صبح بود و آنها هم فکر شستشو بودند/ زیر لب به خود گفتم/ خوش به حال ماهیها/ چون همیشه می‌شویند/ توی آبها خود را» (خوش به حال ماهیها، رحماندوست: ۵).

کتاب «ترانه‌های ایمنی»، مجموعهٔ سه جلدی از رحماندوست است که فرصتی تازه به ما میدهد تا تجربیاتی تازه‌تر را در شعر کودک ببینیم. شعر-بازی مهمترین ویژگی آثار این مجموعه است. کودکان بسیار علاقه‌مندند تا از طریق ور رفتن با اشیا و سر و کله زدن با آنها به فراگیری مهارت و کسب تجربهٔ بیشتر بپردازند. رحماندوست در مجموعهٔ سه جلدی ترانه‌های ایمنی، تلاش میکند با بیانی کودکانه و زبانی آهنگین و بازی‌گونه، کودکان را با موارد استفادهٔ درست از وسایل خطرناکی مثل چاقو، قیچی، میخ و... آشنا کند و همچنین آنها را از خطرات و حوادثی که در اثر بی‌احتیاطی پیش می‌آیند، آگاه کند. این آموزش در هیچ‌کجا شکل امر و نهی به‌خود نمی‌گیرند، بلکه در قالب روایت‌های کوتاه همراه با طنز، سوال و جوابهای کودکانه و بصورت اشعاری با بار موسیقایی غنی، به دنیای ذهنی کودک پیوند می‌خورند. حرکت موجود در این اشعار آنها را به سمت نمایشی زنده و جذاب و مهیج پیش میبرد:

«قو، قو، چاقو/ چاقوی تیزی داشتیم/ چاقوی تیز ما کو؟/ چاقو رو موشه برده/ باهاش پنیر بریده/ رو نون گذاشته خورده/ وای موشی جون/ چاقوی تیز، کارد پنیر نمیشه/ پنیرو با کارد خودش ببر، بخور همیشه/.../ چاقوی تیز رو پیشی چکار کرد؟/ کار خودش رو زار کرد/ وای نکنه دست و پاهاش ببره/ دم و سیبیل و گوشه‌هاشو ببره؟/ زود برو تا دیر نشده/ دیر دیر/ از پیشی اون چاقوی تیزو زود بگیر» (ترانه‌های ایمنی، رحماندوست: ۲۱).

۲-۳- آموزشهای شهروندی:

مواردی چون دقت در نظافت شهر، حفظ محیط زیست و فضای سبز، رعایت قوانین اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و... از جمله موضوعاتی هستند که در این اشعار آموزش‌محور کودکان بدانها پرداخته میشود؛ شاعر برای ایجاد تربیت غیرمستقیم، در اینگونه اشعار نیز از تصاویر حسی، همراه با جنبه‌های عاطفی و تخیلی بودن استفاده میکند. الگوهای جانشین‌سازی و جاندارپنداری بار دیگر به کمک شاعران می‌آیند تا او با ساخت تصاویر تأثیرگذار بتواند مفاهیم مورد نظر را به کودک منتقل نماید؛ همچنان که در شعر زیر، با جانشین کردن مفهوم حسی و آشنای خانه، به جانشینی مفهوم کلان شهر، شاعر حس مالکیت و بدنبال آن حفاظت از شهر را در کودک تقویت میکند:

«اینجا کجاست؟ خانه ماست/ آنجا کجاست؟ مال اوناست/ مال من و تو نداره/ هر جا که این دور و بر است/ شهریه که هر چی باشه/ مال من و مال شماست/ شهرو تمیز نگه داریم/ که شهر ما خانه ماست» (ترانه‌های شهر، رحماندوست: ۸-۹)

همچنین در اشعار زیر، رحماندوست با جانشین کردن معنای حسی و عاطفی «دوست» بجای نامهایی چون رفتگر یا پلیس، ضمن آشنا ساختن کودک با چهره‌های مثبت و خدوم شهری، حس همکاری و معاونت با آنان را در حفاظت از شهر در کودک تقویت میکند:

«اون کیه که تو کوچها میگرده/ به‌دنبال زباله‌ها میگرده/ دشمن آشغاله و بیماریه/ دوست تمام بچه‌هاست/ کارش عجب کاریه/ وقتی به او سلام میدم میخنده/ جارو داره، جاروی او بلنده/ رفتگر زرنگ و مهربونه/ رفتگر خوب محله‌مونه» (ترانه‌های پارک، رحماندوست: ۶).

«انار، دونه دونه/ پلیس چه مهربونه/ شب تا سحر بیداره/ چه کار سختی داره/ شب که میشه تو کوچها میگرده/ دور و بر خونه ما میگرده/ روز که میشه کجا میره؟/ دور و بر خونه ما میگرده/...راه میره و سوت میزنه/ دوست تو و دوست منه» (ترانه‌های شهر، رحماندوست: ۴۰).

شخصیت‌پردازی هم امکان‌عام و گسترده‌ای در دست رحماندوست است تا با کمک گرفتن آن بتواند کودک را دعوت به نگهداری و دوستداری طبیعت و محیط زیستش نماید. مثلاً در شعر زیر، شاعر با بیدار کردن حس غمخواری کودک در قبال گنجشکی که آواره شده است، او را دعوت به مهربانی با جانداران می‌نماید:

«روی درختها خانه داشت/ بچه و آشیانه داشت/ پر، پر، پر میزد/ به خانه‌ها سر میزد/ آواز میخواند:/ جیک و جیک و جیک/ دانه میخورد/ تیک و تیک و تیک/ حالا کجاست؟/ اینجا نیست/ حیف توی شهر ما نیست/ دنبال آب و باغ و برگ و دونه/ رفته کجا؟ فقط خدا میدونه/ وقتی که دید درختی نیست/ با غصه گفت:/ کلاغ پر/ گنجشگ پر/ منم از اینجا پر پر/ میرم به جای دیگر/ جیک و جیک و جیک/ پرند جان/ بیا، دوباره برگرد/ ناز قشنگ مهربان/ بیا دوباره برگرد/ دانه و آب میاریم/ برات درخت میکاریم» (ترانه‌های شهر، رحماندوست: ۲۳).

۲-۴- مسائل و موضوعات اجتماعی

آشنا ساختن کودک با اتفاقات و جریاناتی که در پیرامون او میگذرد، از دیگر دغدغه‌های رحماندوست در شعر کودکان است. او برای بیان مفاهیمی از این دست، از تصاویر حسی و عاطفی، همراه با صورتهای خیالی، بگونه‌ای خلاق و جذاب بهره‌مند شده است؛ مثلاً در توصیف ۲۲ بهمن، روز سرنوشت‌ساز در تاریخ اجتماعی ایران است، میسراید:

«مثل غنچه بود آن روز/ غنچه‌ای که روئیده/ در هوای بهمن‌ماه/ مثل آب بود آن روز، آب چشمه‌ای شیرین/ چشمه‌ای که میبیند مرد تشنه‌ای غمگین/ گرچه در زمستان بود، چون بهار بود آن روز/ سرزمین ما ایران/ لاله‌زار بود آن روز/ روز خنده‌ما بود روز گریه دشمن/ روز خوب پیروزی/ بیست و دوم بهمن» (فارسی دوم دبستان، رحماندوست: ۱۱۳)

یا در گزارش واقعه رحلت رهبر انقلاب اسلامی، اینچنین از تصویرهای حسی-عاطفی بهره‌مند میشود:

«خانه‌ها بی‌نور است/ کوچه‌ها غمگین است/ چشمها چون چشمه/ همه گریان هستند/ راه هر حرفی را/ بار غمها بسته/ این به آن میگوید/ روح از جانها رفت/ بچه‌ها میگویند: پدر از دنیا رفت» (چکه‌چکه اشک، رحماندوست: ۹).

یا مثلاً در بیان واقعه مهاجرت جوانان به خارج از کشور هم این تصاویر بگونه‌ای دیگر تجلی میکند و غم‌مادر با تصاویری حسی-تجربی و حسی-تخیلی به توصیف درمی‌آید:

«مادر ولی مثل همیشه/ خوشحال و شاد و خنده‌رو نیست/ آخر میان خانه دیگر/ فرزند خوب و شاد او نیست/ یا قایق چشم سیاهش/ بر موج دریا مینشیند/ یا مثل مرغی پر شکسته/ تنهای تنها مینشیند» (پرندۀ گفت به‌به، رحماندوست: ۱۶).

۲-۵- آموزش همدلی و نوع‌دوستی

دعوت به محبت و نوع‌دوستی، یکی از پیامهای اصلی در شعرهای کودکان است. این پیامها معمولاً از طریق تصاویر حسی-عاطفی و حسی-تخیلی به راحتی به ذهن کودک انتقال می‌آیند. مثل تصویرگری در شعر زیر، که شاعر در آن با شخصیت‌بخشیدن به خورشید، و تجسم آن در هیأت

مادری دلسوز که به فکر همه فرزندان خود هست، مهربانی بی‌چشمداشت نسبت به همه جهان را به کودک القاء میکند:

«خورشید گرم و خوب است/ خورشید مهربان است/ زیرا که مثل مادر در فکر دیگران است» (پرنده گفت به‌به، رحماندوست: ۴).

در مثال بعدی هم شاعر با جانشین ساختن تصاویر ذهنی و حسی نزدیکتر در جای مفاهیم دورتر و با ایجاد پیوندی از نوع پیوندهای خونی و ارتباطات فامیلی قابل درک برای کودک، مفهوم نوع-دوستی را در بعد فراگیر و جهانی، به زیبایی در شعر خود منعکس ساخته است

«جوجه، بچه مرغ است/ غنچه، بچه گلهاست/ میوه، بچه باغ است/ قطره، بچه دریاست/ خانه، بچه شهر است/ شهر بچه کشور/ شهرها همه هستند چون برادر و خواهر/ کشور عزیز ما/ هم بزرگ، هم زیباست/ مثل کشوری دیگر/ بچه جهان ماست/ غصه حسن در مصر/ میکند مرا غمگین/ میکند مرا خوشحال/ شادی تی آن در چین» (پرنده گفت به‌به، رحماندوست: ۱۸).

۲-۶- مفاهیم تربیتی و دینی:

آموزش غیرمستقیم مفاهیم اخلاقی و موضوعات دینی هم، با ایجاد تصاویر حسی و تخیلی در شعر رحماندوست دیده میشود. مثلاً او به جای امر مستقیم به حرف‌شنوی از پدر و مادر، با تصاویر حسی لبخند پدر و مادر و سپس جانشین‌سازی آن لبخند، در سیمای آسمان، و با تبیین ضمنی معنای رضایت که در این لبخندها نهفته است، آموزه دینی و اخلاقی «خشنودی خدا در گرو خشنودی پدر و مادر است» را به زیبایی برای کودک قابل فهم میسازد و با این بازی ذهنی، او را به اندیشیدن در این معنای عمیق برمیانگیزد:

«پدرم گفت برو، گفتم چشم/ مادرم گفت بیا، گفتم چشم/ هر چه گفتند به من، با لبخند/ گوش کردم همه را گفتم چشم/ مادرم شاد شد از رفتارم/ خنده بر روی پدر آوردم/ با پدر مادر خود در هر حال/ تا توانستم، خوبی کردم/ پدرم گفت: تو خوبی پسرم/ مادرم گفت: از او بهتر نیست/ آسمان خنده به رویم زد و گفت: / پسرم از تو خدا هم راضی است» (خوش به حال ماهیها، رحماندوست: ۷).

یا با بهره‌مندی از تصاویر حسی-تخیلی و با ویژگی جادارپنداری، کودک را بگونه غیرمستقیم به سمت ستایش پروردگار رهنمون میشود:

«هر گیاه، گوشه‌ای غنچه لب را گشود/ بی‌زبان/ بی‌دهان/ خالق خود را ستود» (چشمه نور، رحماندوست: ۱۳۷۶).

در شعر دیگری، با نهادن تصاویر حسی و زیبایی چون گل خوشبو و جوانه‌های امید به جانشینی مفهوم اذان و نماز، کودک را برای شتافتن به سوی عبادت پروردگار ترغیب میکند:

«روی گلدسته‌های مسجد ما/ باز، گلبانگ عشق میروید/ گل خوشبو و روحبخش اذان/ این سخن را دوباره میگوید/ بشتابید و رستگار شوید/ وقت خوب نماز آمده است/ با اذان میشود محله ما/ آشنا با نشانه‌های امید/ توی صحرای سینه میروید/ دانه‌دانه جوانه‌های امید/ می‌شتابم به سوی مسجد و دل/ میسپارم به عشق و راز و نیاز/ بر لبانم دوباره میروید/ گل خوشبو سرخ‌رنگ نماز» (موسیقی باد، رحماندوست: ۲۹).

۲-۷- مفاهیم انتزاعی:

همانگونه که پیشتر هم اشاره شد، برخوردار از ویژگی جانشین‌سازی، بهترین راه ساختن تصاویر شعری در آموزش مفاهیم انتزاعی است. رحماندوست در اشعار خود، برای انتقال مفهوم انتزاعی قیامت، مجموع چند تصویر حسی را جانشین این مفهوم ساخت است:

«ما همه چون درختیم و برگیم/ زندگی‌مان بهاری سلامت/ فصل پائیز، مردن ماست/ تا بیاید بهار قیامت» (چشمه نور، رحماندوست: ۵۰).

یا در تبیین مفهوم انتزاعی شهادت و معرفی شهید، اینگونه از تصاویر حسی جانشین استفاده مینماید.

«چون داستانی بود/ پر ماجرا، کوتاه/ چون شعر موزون بود/ پر معنی و دلخواه/ خوشبوتر از گل بود/ زیباتر از گلبرگ...» (چشمه نور، رحماندوست، ۱۲).

نتیجه:

رحماندوست یکی از شاعران مطرح در حوزه سرایش، نقد و نظریه‌پردازی شعر کودک است. او اعتقاد دارد که تمام اشعار کودک آموزش‌محورند. به عقیده رحماندوست، آموزش در شعر کودک باید منطبق با روانشناسی رشد کودک و تواناییهای او و بگونه غیرمستقیم شکل گیرد. اشعار تعلیمی و آموزش‌محور در شعر رحماندوست، شامل موضوعاتی نظیر: آموزش اندیشیدن به خود، یاددهی مهارت‌های حفظ و مراقبت از خود، آموزش‌های شهروندی، آموزش‌های تربیتی و دینی، آموزش مسائل اجتماعی و آموزش مفاهیم انتزاعی است. این آموزش‌های غیرمستقیم در شعر رحماندوست، اغلب از طریق عنصر خیال و تصویرسازی شکل میگیرد. تصویرهای استفاده شده در این اشعار آموزش‌محور، اغلب بر چهار رکن حسی-تجربی، حسی-عاطفی، حسی-شناختی و حسی-تخیلی استوارند. در ساخت تصاویر تخیلی از سه ویژگی ۱. جانشین‌سازی یک یا چند مفهوم قابل درک‌تر برای کودک در جای یک مفهوم دور از دسترس، ۲. جاندارپنداری اشیا و پدیده‌های طبیعت چون کوه و گل توسط کودک که منجر به شخصیت‌پردازی توسط شاعر در تصاویر ذهنیش میشود و ۳. ویژگی تجسم منسجم (یا به قول بلغای قدیم: تجسیم) استفاده میشود تا شعر همانگونه که موجب جلب ذهن کودک و ایجاد لذت در او میشود، مفاهیم مورد نظر شاعر را نیز به او آموزش دهد.

فهرست منابع:

۱. ادبیات کودکان و نوجوانان، حجازی، بنفشه، (۱۳۸۴)، چاپ هشتم، تهران: روشنگران.
۲. ادبیات کودکان، شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۷)، چاپ بیست و ششم، تهران: انتشارات اطلاعات.
۳. از آسمون تا اینجا، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۵)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۴. باغ مهربانیها، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۶۷)، تران: وزارت آموزش و پرورش.
۵. بررسی اصیلترین ویژگیهای زبانی و تصویرآفرینی در اشعار رحماندوست، صادقزاده، محمود، (۱۳۹۳)، «مطالعات ادبیات کودک»، سال ۵، شماره ۲، صص ۷۵-۱۰۶.
۶. بررسی مهارتهای زندگی در شعر کودک، صابری، سحر، (۱۳۹۰)، «کتاب ماه کودک و نوجوان»، شهریور ماه، صص ۹۴-۱۰۰.
۷. پرندگان، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۲)، تهران: کتابهای گل مریم.
۸. پرنده گفت به به، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۴)، تهران: محراب قلم.
۹. تخیل، برت، ریموند لارنس، (۱۳۸۲)، ترجمه مسعود جعفری، چاپ دوم، تهران: مرکز.
۱۰. ترانه‌های ایمنی (مجموعه سه جلدی)، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۹)، تهران: افق.
۱۱. ترانه‌های شهر (مجموعه ۵ جلدی)، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۹۱)، تهران: نشر شهر.
۱۲. ترانه‌های شهر تمیز، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۸)، تهران: نشر شهر.
۱۳. ترانه‌های نوازش، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۵)، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۴. چشمه نور، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۶)، چاپ چهارم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۵. چکه‌چکه اشک، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۲)، تهران: کتابهای قاصدک.
۱۶. خوش به حال ماهیها، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۷۲)، تهران: کتابهای قاصدک.
۱۷. روانشناسی کودک و نوجوان، احمدوند، علی، (۱۳۸۶)، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
۱۸. رویکردی نمادین به تربیت دینی با تأکید بر روشهای اکتشافی، کریمی، عبدالعظیم، (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات قدیانی.
۱۹. سبک‌شناسی اشعار کودک و نوجوان عباس یمینی‌شریف، خلیلی‌جهانتیغ، مریم، (۱۳۹۰)، «فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی»، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۱۱، صص ۱۲۱-۱۵۲.
۲۰. سیر تشبیه در شعر کودک و نوجوان، پورالخاص، شکرالله، (۱۳۹۲)، «سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی»، سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، صص ۳۹-۵۵.

۲۱. شعر کودک ابزار آموزش نیست (نشست آسیب‌شناسی شعر کودک)، آزاد، سمانه. (۱۳۹۰)، «رشد آموزش پیش‌دبستانی»، دوره سوم، شماره ۲، صص ۴-۸.
۲۲. شعر و کودکی، امین‌پور، قیصر، (۱۳۸۵)، تهران: مروارید.
۲۳. صد دانه یاقوت، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۶۸)، تهران: محراب قلم.
۲۴. فارسی دوم دبستان، شعر روز خوب پیروزی، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۹۰)، تهران: سازمان چاپ کتابهای درسی.
۲۵. قصه و قصه‌گویی: تحلیلی روانشناختی و تربیتی، مهجور، سیامک، (۱۳۸۳)، شیراز: ساسان.
۲۶. موسیقی باد، رحماندوست، مصطفی، (۱۳۸۰)، تهران: مدرسه.
۲۷. می‌خواهم به زبان مخاطبم حرف بزنم: گفتگو با مصطفی رحماندوست، گزارشگر: نیره سادات هاشمی، (۱۳۹۰)، «کتاب ماه کودک و نوجوان»، شماره مرداد ماه، صص ۷۵-۸۲.
۲۸. نشانه‌شناسی زبان در شعر کودک، مدنی، داوود، (۱۳۸۸)، «نشریه ادبیات فارسی»، دوره ۵، شماره ۲۳، صص ۱۰۱-۱۱۴.